

جزوه انسی

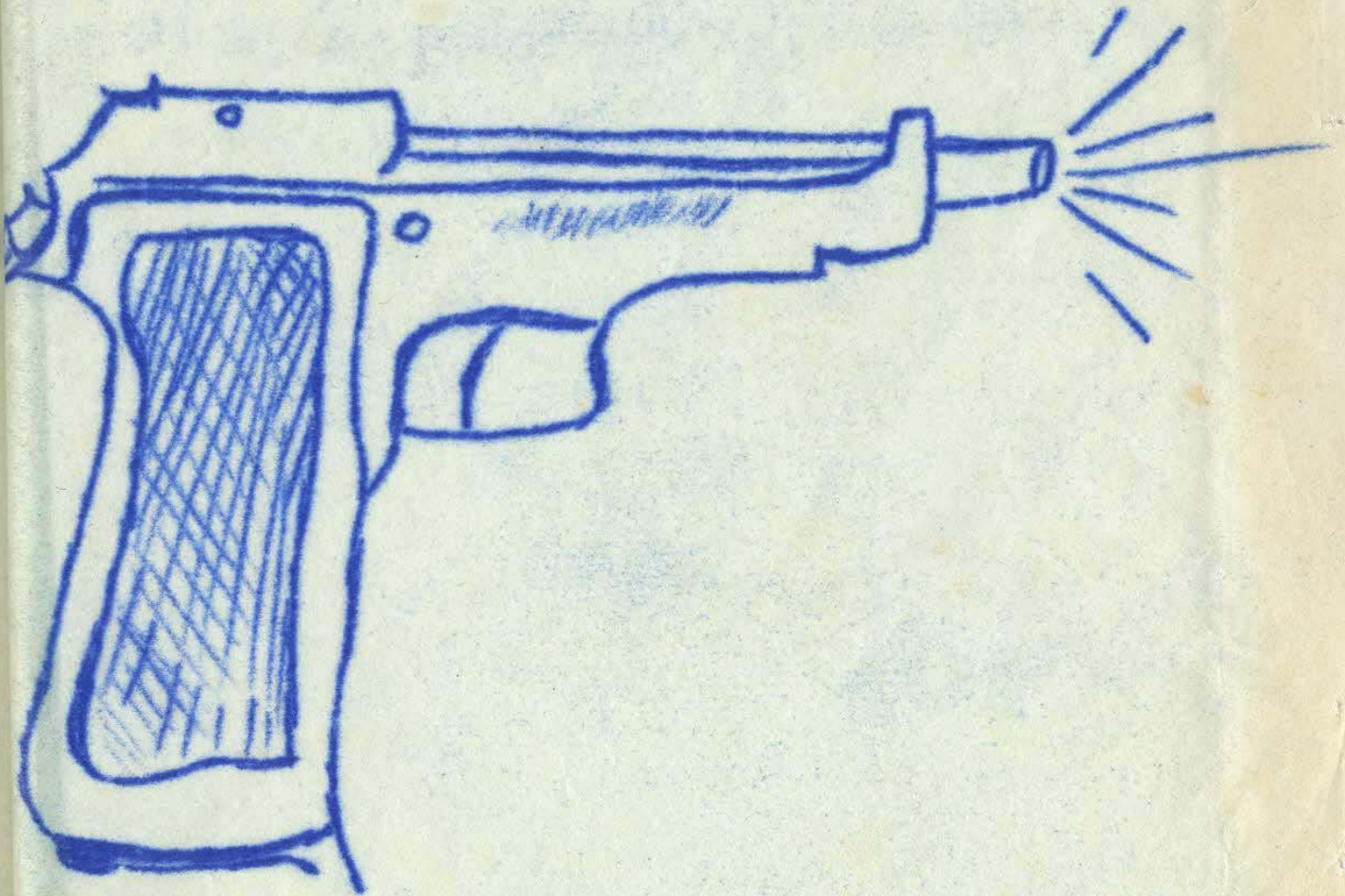
فوری

جزوه امنیتی

تاریخ ۱۰/۱/۴۰

إِنَّ أَخْلَقَ الْوَبَّ الْأَرِيْقَ وَفِي نَامِ لَمْ يَنْفِ عَنْهُ

برادر جناب (انقلابی) همیار است و کسی که از دشمن
مخالف شود دشمن از او مخالف نخواهد بود (کسی که از دوست دشمن
نخوابد دشمن نخواهد نخواستید)



تذکره

به کلیه برادران یادآوری می‌گردد که در عمل و نگهداری
این فرود رهاست کامل باشد استی را بنامید و در اسرع
وقت پس از مطالعه آن را بسوزانند در صورت نگهداری
این فرود رهاست به است آنرا در صورت مرگ هم
سوزانند و از راه و برای عمل در دو به یک کردن آن
بهر برادران همراه با آن کبریت را از این تنظیم

تذکره . کبریت . در بسیاری

پنجاهه تنی مورد سلامت ۳۰ نفر از نیتب باورین سداک به نزل دستوری

در حالی دروازه در طلب مکرده اند و او را دستگیر و با خود برده اند

از این نظر بستی هر بسیاری خود را در دست نیتب و تلف بر اول شکرت در عرض درود

دختر دهی به نزل بلایریم دستوریم ایسم که باورین ممکن است در سالی نیتب

از نیتب سب اقدام نمایند تا فرمایان افراد را تا نیکر کنند

اکیب حای کتبه دروغ دستوری گمانند از محل اداره از طریق اداره مصفا

اتهام ادویه را انجام میدهند و محققات خود را برای آنگاه در محل کارش

و بعد در اردیانه می نمایند اگر دانشمندی را بخواهند دستگیر کنند

از طریق گمارد دانشگاه اقدام نمایند پس اگر دانشمندی را گمارد اخصار

نمایند و بقیه ای را سبب باشد یا فعالیت های منفی نماید نیز از مدتی در

در واقع چه کسی او را میزاهد) که کسی نیز دانشمندی را با لطف مختلف از

همه کسی سارا پای نیتب میزاهد یاد در نیتب در ب کسی سارا کار

دارد او را برده و در نیتب باورین کتبه می دهند فتاد در برادر هاد است

که خود باورین در همه راه اقدام دستوری تسبیح می کنند و بقره عمل

باورین منی نیتب به اول صلاح و بیاد در مردم خدایاها و نیتب در سبب می کنند

و این نشانه‌ها نیز آخ از کس اللیل را سپریان است .

- معنی برای گاهی به سفارت امریکا مراجعه کرده بود می گفت داخل آن
نگارخانه شدی برسی و بعد دارد که توسط آن پیاده روی صورت می‌دهد سفارت
را کنترل می‌کنند (نظیر این روش در سفارت اسرائیل نیز بکار می‌رود)

- تعدادی هلیکوپتر ایرانی که در حین برقصان برقصه اعراب به میدان حجاب
رفته بودند پس از مدتی برای کنترل با ایران باز گردانده شدند این هلیکوپترها
با نمایندگان غیر ایرانی به مقصد رفته بودند .

- سبب هجرت نزدیکان اینها که با چند نفر دیگر در اعتراض شده بود

از امر حسین پیاده شده و وزارت مطبوعاتی محل در اطراف کارخانه‌ها فرستاده
بوده چون سبب برده است نمایندگان او را دستگیر می‌کنند و سپس می‌دهند

زنان هم نیز آمده او را کتک می‌زنند پس از مدتی سبب است
آمدن این معنی به دور و بر کارخانه مسلم می‌شود . در چند روز

آمدن سلطان کمال و به دنبال چند انجمن اولیه به حفاظت کارخانه
انزده بودند و اما سبب قبلی چندین کارخانه را می‌شد
که دور و بر آنجا می‌پلایند نکته بوده است .

در اواسط انگشت بیانی از برادران که مسلح بوده در اول میدان فرود می آید
 که چراغ قرمز بوده عبور میکند و بعد در آن هراس می بیند و تسلط با اطراف در پیاده
 در طرف دیگر شروع به آراستگاری می دهد یک دفعه با سپاسی در پیش می آید
 او را سبب از ترس هراس میکند داخل آن در پس که سبب می شود
 که خلاف کاران را سوار می کنند و چون او از چراغ قرمز عبور کرده گریه می کند
 در آن ترس می بیند در پرده می بیند او ده تومان بر می دهد آزار
 می کنند . هراس پرتی و در آن ترس بعضی نظرات (چون مثلا در روزنامه
 من مطبوعه همان شده بود) که سردکار را با پولیس می اندازد برای فراموشی
 این سبب را می می آورد . وی در من منوط است که در
 وضع من آمده و سرتی را با پول دارک هم آورد بر فرد در همین بود
 که صورت پذیرفته

تبلغ بیسی در تو خدیج هر فریسی است که برای مردم بدون سبب
 بعضی بیخیه فریب می خورند در راه های برسی نظرات مردم پس از
 بخشند که می خورند را درسی فریب برای اصلاح نظرات

۴
هشتمین صفت برای کار ترجمه مناسب برای تدریس فراهم
بود نمونه نرم دوس جالبی است که هندی از برادران در
مجلس گاروی کبار برده اند اعلامیه هایی که بخش شده است از
روماندن بوده و هندی هم از اعلامیه های عقل خردمان و
طایان (والبته همین است که اعلامیه روحانیدن هم برای کاران
نظیر بوده است روحانیدن و صبه کاتب دیار برای دروس و ستران
نرمی تأثیر فراهم داشت) و در این یادداشت لطیفی و از دید یک ناظر
بررسی کرده اند.

« بخش اعلامیه در سروس کارها ما »

لواحت و پیش بود جمله ی دجایی دستای اعلامیه در این سروس پاره شده
این سولات برای هر طرح بود هر قدر این کلمات آید ؟ تقف ؟ سوره هام
... اشاء برای همه مابین صورت غیر ترقیب بود در ابتدا تبلیغاتی
نظیر می آید . فرید دزوش زین یا مطلع رسال صرف در ... و ...
پس از آنکه بدست همه رسید کم کم در دسترس کرد این از جهت ما بین با هم
بلند هر آنکه « در کلامی فلانی ملتی » علی العلی (مده زده) (۱)

۱ - اعلامیه ها نظیر اعلامیه های روحانیدن و ستران و از بهترین از ساری از اشرف
و اعلامیه ها که در ...

لایحه پراگماترا برای دکانه روشن سینه . فردی در صندلی بود ترا بر دست است

همه به سر میانه گذار بیای خاره او را جذب می کند زیاد از سن آن صری نمی کند

قطر نه قط آنرا که سر بر تشارخمش به لادمان بولری بود درش سینه

دوازده تنه شد که اعلامیه ضد دولتی است .

بیماری و در در شیا بالارفت نیادین ضد دولتی بودن خش بر سه بردا

روشنتر بگویم کادری که اعلامیه را برای من فرستاد ، جمله آیت الله

عینی در اعلامیه ماه رمضان فرموده " ما من می فرستاد : آیت

عینی در اعلامیه بیان رمضان زبان دارد " همین فرد و من جمله ای

را فرستاد که دشنام پشه داشت اما من نخواندم و تسلیم به چه چیزی دارم

به ازانات این سوال که راه چه بود صریح است ، این سوال مرتب درت

تسلیت که میسسی اینها را رحمت کین از محبت با همای مانده بیلرید بکنفر

که با انی سینه من داشت و منب در را کرد و پس از من بیلرید پیش

مجب بود ! ! (البته از جانب سایر کارگران این مرتز طلب نبود)

در اتقای سیر برای ک یک ضد دولتی بودن اعلامیه برسد رساله ای بر

شاه که زنجیری به هم شان رسانده ششمن شده بود اعلامیه ها را با غرور

نگاه می داشتند تا فرستی پیش آید و مطالب آن کفایت کرد " بی لفت "

7
« نلداری تری جیب منورم » در ماکه نیانده ای زرد آبر سیرت « بردیا با »

(اسرار برانچه تری فایده های ندره) . داخل وقت کنی اطلاع ها با هم برود

نمایه قرار سیرت کیی بردانچه همیشه به آرام (مجاهدین) بیافته

بگوید « اینها از طرف قرب ایران نوب است ، اینهم آبرش (آرامی هرین)

زیری بگوید « نه بابا خند روی است »

- کی بگه خند روی است

- ای ناک از آرام ایران نوب برای نفاذ سان اسفاده سلطه

دستی شایعه قرب ایران نوب را می گفتم کارگری است « نه بابا از قرب

ایران نوبین غیب آرام باشه از قرب برود »

« در ماکه اطلاع »

« هر که هست در کار به دنیا کی و اشراق کاران با بلبت ارلام است

بگرد چون در ماکه اطلاع ها رسیده نه در سردین درار شد کاران

میخواسته که دست که آنرا در سردین رسیده است قسم های او که در دو هم

اطلاع ندارد « اثری در کاران نمی شنید (کار های رفرمیستی نه تنها

مساله ای را اهل می گفته بلکه در اثر فعل کاران که زائیده محیط است

ممکن است در سرطانی هم داشته باشد (یعنی می‌تواند گاردان پس از چند روز در سرطانی

گفت که « بیست و نه نطنی اعلامیه صادر کنید »

از آنای « که آختر کاخانه و نماز خوان است در باره اعلامیه پرسید گفت

« همین تندی بود » گفت کجاست ؟ پس از لحظه ای گفت راست گفته بود این

روز نیست که ما داریم و چیزهای در دست و حسابی راست (سن ۱۹۰۰ در سال)

از آنای « که اولین کار بود پرسید : « که خوب بود یا بد »

گفت خوب که نبود بد بود گفت کجاست بد بود ؟ گفت در واقع

خوب همان را از دست بود ... اینهمه را نمی دانم برای همین می‌گویم است

از آنای « پرسید او مانده که گاردان است قبلاً از منس اظهار نظر

گفته و آنرا تمجید می‌کرد حکومت ایران را محروم نشی سرایه دار بر

روز بخواند و شتی سازد و آنرا در خانه‌ها بپوشد و بیاید در

۱۷ که بود دست را منقاب به گاردان دارم در حالی که هیچ نمانده‌های در

ایران برات بین کاری را ندانست . بیرونش رفت بدوئی میگردد

کار صردان و پا برهنه حایه داشت . مخالف گورد و سیرت برات

در خانه است از منس یاد دارم فداه من را ... سن ۱۹۰۰ سال

۱۷
به سردت با رسم ادا: معاودین بود قبلاً از وضع به ایران کماثر
داشت او نیز موضع نامه را در مقابل اعطای کثرت ۳۰ ساله
به سطح e رسم ادا گار فرزند بود کثرت کثرت از ضرب در کماثر
در مداب a و b که بود ارواح نه شان فزاید تا بیاید
او را بلرند یک رکنه کلاسه بدش را ماتدین سلنه . فرید با آن
دیده را فرا هر ... کوه ... ابی تخم پاره ها ...
فدا مراد بجا که در درشت بلش سیه ... از مهر می برد از زبان کعبه
می کرد فیانه های نامع و جازبان را بره صفت سیرد کلمات برضاد آن
از در ذهنش ضبط کرده بود از جمله « من بیام خبرندان جمله اعلام
هر که رسم » او سلفیت این اعلام از طرز همین حالت
کوه شان کم کرده به دانه آردا هیچ آینه . او پس از سه پاره روزی یکی از
هماران که در فراست اعلام کرده بود گفت: « روز اول را بیاه بود
چون گاران مکر می کرده ادران تبلیغاتی است از فرزند نامیاب
گردد کثیر بیع و کثیر می آید » به پیروان حرف روز بعد

کلی از کارگران این از اعلامیه دارا از کارگری طلب می کرد کارگران بنام این
فرد را بآن روز در میان اولاد کوچک طلبی داشت تا با فردی لاغر داشت
این کار را از می نایم .

در روز بعد بعد از عصر وقت اعلامیه ماموس فریب فرما می داشت هر اس
در روز با کارگرها بود طلبی هر بابی ۱۲ ساعت هر یک طلبی

این طلب را از روزی که طلبی که در این بهترین استوار شده است که توصیف
فرد را در این اعلامیه می بیند بنابراین « فریب فرما می داشت »
فردی در فریب او معنی بخیر می داشت که سفید باد و در این (داشت)

- آنچه استوار شده است بخاطر این بود که همین بطلبی...

- در شب بود چو داشت است را به هر یک را طلبی...

- با لاغری رابطه دارد .

- هر چه با او در ماموس را از این می گفته و گویی...

- و این ۱۵ فراد بود جمع بود...

در آن روز در هر کارخانه با نمانده همبند که نمانده به از این صحبت می کرد اعلامیه
را می گفتم ایضا که این از آنرا هم گفتم که به فریب...

عصر نخست اهل بیت

باز صفت بر سر اهل بیت بود همه ای با نشان مردم جمع شده بودند و خطاب آنرا
 می کردند اما کلاً نایاب شده بود بر وصفت اهل بیت آناری است
 بدستمان رسید و درین شب رستم که سبیل داشت شوره می بردند که در میان
 صبح غریب میروانند فتادستی به کفایت "محبوب" در شام است
 بر سر یکت می کرد حالتی از غم در چهره اش می نشست
 برداشت غریب داشت (اد ج بود)

همه ای مرتجع ندیدی در مورد اهل بیت مطنینه که آیه قرآن را فرمودند
 مردمان خندانند و درین شب کبرشان برون آید که نبرد است و
 نمی اندازند ...

در صواب این همه گاه گریه مینویسد : نغمه نغمه بیایند دوری در شب
 گفته !!

این گاه در راهی سگی است داخل مطالعه . سگت صفا آید فر
 اول غریب بودند مضمون در استخوان و طرفی
 در طرح تروریست شکر داشت اما قوی دار ماه رسید .

بجز در کس می که اهل بیت ما چنین شده است همه انتظار می کشند که این صبر
 فرز در سماع را ایستادگی که شوق اهل بیت درین است بنیاد اما دردی

مبارک صبیح زود بیدارم فرزند جان سرها بلند می شود و صدای بیداری آینه آنگاه
بامش را زیارت کنند ...

تطایع :

۱ - شن اجمالی با بالاتر از پنج بار کافران برود ... اگر آن کس در حال
کشد تا نصدقه ...

۲ - بیدار گویی با اسم میوه در آستانش بیدار کند هر کس بسترها آنگاه
است

۳ - اظرفه استغفار و می لب با رسم بیداری بسیار بر اخص و شب آن بیدار

- جلالت آتای همین چاشنی فرود برود و برود تره و امع تره

- کافران فراتر از این گونه فرودات و اجمالی هاست که هر چه

ساده در دست تر خوش خوار و کتر باشد و مسائل سبب آنها را

مطرح کند البته وقت بیس آن غنای خود به است

- همه بر سر این که از این ظاهر می جانب برود

باید به این زاین فریب زمانه ای اجمالی های را در عملاتی که سبب آنند

مکن العمل آن را از زاین زمانه پیش کنند

شاید یکی از برادران در ضمن روغن یا قرآت قرآن - در سه - و کلاس در

آوردن شانه - آب قیوم به این بیرون های کافری - انوار

هنگام بیدار است یک توره خانه برتخ بکنی آن یک در شانه

شکرت کرده برادر دگری با سرت اطلاع ما را در فضای آن عمل رفته دور سرد
در برادری که آنجاست ممکن است با برادرش کند .
این عمل با سرت مدل انجام کرده در سبب سائل استی را بنامید .



مطالبی در مورد رفتار فرزندی در منازل

در مورد مسائل استی و زمانی منزل قبلاً صحبت یاد استی جداگانه است برادران بسته است
آید نیز چند خاطره و نکته از برادران آورده میشود که نمونه های خوبی است
بدین است که سائل استی برای بیس مساله عمل را سس ترک و هر ساری
است از یک طرف درونی در شکست رهاست خدایچه براسی تجربت در مورد
و با توجه به رفت و آمد به نزل و وضع افراد از لحاظ مطنی و مطنی است
و برای سردا عاری بران وضع است از آنجا که باین بودا با سس زندگی سس
مفرداً نماند که احوال اعداد است و در بر فرود سبب با سس با هر چه مطنی

- نحوه رفتار رفقای مطنی مفرد سبب است نزل و عمل کار با توجه به بالادین جو مطنی
مستب خانواده ها نیاز به سبب شقی است که در فرود جداگانه ای آورده فراموش
مادان زینت در استی نمونه هائس سس که در اثر استی هائس که عمل آن برای
آنکه مودت ایجاد کرد سبب برای ادا کار مودت کار مطنی سس .

میانه این سه دهنی ماری بودن وضع و وضعی وضعی اطمین در آن
 باز است نباید به خودی خدای بیفتیم و این است که کسی کاری با ما
 ندارد مگر با طریقه که بگویی یا برادر است کردن و راه بین از هم
 دیده شده بعضی به تقریب نیز افتاده و برای کاملاً ماری شدن وضع چندان نمی
 ایستد بلکه که همه از سر دهان بالا بروند و همزمانه می باشد
 مدتی بخوانند برادر می در این مرد بنویسد
 وضعی با از راه رسید کتک را در آورد و دست به جیاط پس از بدی برکت دیدیم
 که خلاف استیاس به است پس از چند دقیقه همیای که دست برد در زد
 دوارد اطمین پس از آمدن پس که نسبت دیدیم که کمر به خلاف
 است که در عملی که است نه بود که است اس به است برکت روی آنرا
 پوشانیم یاد دانی که روی آن چند قطب کشور را هم
 کف اطمین چنانچه بود در همان آن دهنی شده است بخوانند
 که در این اطمین گمانه بود ما چشم بخورد از زمانه های پر کینه در
 اطراف اطمین چشم بخورد خلاصه آن چیزی سرچشمه نه دهنی ماری کرد
 از آن بعد دست و انطباق هر در رعایت و حفظ ظاهر خود و اطمین

ماری برون وضع بترکم

دارد آبی نرسد : آچار تان اجاره کرده بودیم و برای آنکه وضع ما همی بود
 برون اطاعتی زیاری بود (پسره بودیم که یک اطاعتی از اجاره سه سه
 یک روز رخصتی در حالیکه در بازور و اردیباش بلائیش فراش سرد
 در همان برقع دو نفر زن برای اجاره اتان بالائیانه . و چون صدائی
 شنیدند و همی نمی شنیدند وارد آچار تان شده در رب اتان هم که باز بوده ستره
 رخصتی سوزیدند و بعد از زیاری که سکنید رخصتی سیدار سرد پس از پرسش
 در کار سیدار که می زن استار سهر باشی و دیگری استار ارشی است .
 درین ترتیب ما برای امین و امجد رخصتی جانب استار بشی کسند
 حالیکه می باسی از بی دربار امی بشیم و وضع ظاهری اطاعتی را ماری
 کردیم چه با رخصتی سهر برون حادیه ای برامی ترس و سادک تا طکر
 می شد و یا همی همی بود زین را من آچار تان شده و پس از آنکه
 ستره استار سوزیدند برون ستره اجاره کرده تراشید به چند پس از چند روز
 ما می برای همه رخصتی ساس آنها ایجاد شد .

در مورد اجان نرسن و اطرافیان

پس از بدی بنیاد اجان نرسن در کماز خوب نرسن و در نماز و بار
 زاری نرسن پس از پرسن و در باره اجان او اجامی در منزل خورشید آواره
 داشت و حاضر شد به حد آسمان که ترفند کرد و دیدیم اجان نرسن در
 طبعه هراتمانه ای وارد داشت و فرزند با داداش در پاسی می نشستند یعنی نرسن
 پاسی را نشدند داداش آنرا کلانند بود ما هم تبدیل کردیم پس از چند روز
 از محل قبلی اسباب کشی کرده با نجارینش می کردیم نه تندی وضع داداش
 را در آن روز وی جواب نرسن می شنیدیم تا شب فرزند آنه دیدیم با آنه
 وضع شکستی داشت یک دفعه سلفیت کارنده است یک دفعه شکست بازار می است
 پس از صحبت های دیگر که نمود (از جمله اینکه در چنین وقت های دیگر از بدی
 داشتیم ، یاد رفتن ب واکسی دارم و ...) مشخص شد که فرزند واکسی است
 ما هر چند که با او می نشستیم و می خندیدیم (از نرسن پاسی آن بودیم)
 ولی ما توجه به حد اعتماد با او در خبر داشتیم چون احتمال داشت فرحان شکستی
 دیده باشد و هم همین احتمالاً مراجعه به پاسی های او را معنی در بلاوه و در
 عناصر کلک در اطراف منزل در حدت باعث شد که آن شب منزل
 را ترک و فرار کنیم و اسباب منزل را نیز همراه خود داریم.
 علت آنست که ما که به در آن بحضرت نرسن روکی وضع صحبت هراتمانه

از آنچه ها در دهان ... در صورت شکست بودن ترس بی آنجا

در نزدی اطمان آجاره کرده ویدی بود در آنجا با امتاره برام صواب خانه

که پیروزی عجز بود بار جدی ناملین بازن رجه در آن منزل شست برده

دی خورس تاریخ از همه چیز به نیر کشتی سپردافت درین بود که در آن راهم

با نجا بیورد خواست از آنجا بینه درم درستی کاری پس آنکه میوردم

مرفقا آنجا با ... وقت آمد منزل و تراب کشتی صفا زیاده بود

همه جهان می آمدند ما نگران بودیم که اگر بلیس با نجا بیاید در میان قومان

و تراب و درون با ... وضع ما ناچاره فواحد است اما کتب در

اطمان شسته بودیم و سوال صفت که اینم در ب اطمان حکم بهم فرود جانی

در حالیکه کشتی را در آورده و درین گرت خردا بودون اطمان ارافت

در حالیکه زبلی می برده بود گت پسی ! با نجه الشاگرد ولت سر و جدا

نلسی بلیس دنبال من است . ما کس الطل ما در کشتی نداشتیم متدیسی

کردیم از ظاهر اطمان غیره بیابان و پس کردیم ادرا راضی به سرودن درین

از اتان بنامیم بلیس کس دیگری گت دور و بر نزل بلیس است ما که

عاب کردیم به دنبال تراب کشتی و در آمدند با نجا فواحد کرده

کسای و بیادک هم رادر میدان بود جمع و بود کردن در آن وقت نیز با بر روی او ضاع
 اطراف و سیدان عمال شکرت بخارج بر دیم خود سنجیده عاده ای انسان بنصافه
 بود و موضوع پلیس را کمینز برای تهیه مه صاب خانه هرانده است بر روی مام
 بعد از چند روز آن منزل را ترک کردیم و از این بجه پس کردیم که تقریباً
 بابیم در هکایین و اطراف با اسماهی نایاب که به خوبی از این ایام
 سیر به بر ضرر با پلیس کرد و هر دو زندانی شدند.

- در مورد سنازی که شکرت سید و یاسا هر روی از آن سپاه می نماند خونهای
 هست که تا آن سید هر چگونه تا صلیت شان دادن به دست در ضمن تسلط
 بر خدگین سیر به بر رفتند است.

- چند ماهی از زندان منتهی نگذشته بود آن وقت داشتم که برادر دیمی نیز با من
 است و آید نفرد تجربه چندانی از این در روز استم قراره است بر دیم
 چون آن برادر خدگین امان گسی دارد از ریشتره تا سه روز امان
 مرا تلفه روزی در آن هر با منی ریشتره من به سر قرارهای شکستلانی خود
 برای ارتباط گرفتن و هم همین بر بنیاد آن برای تعریف زخم
 هنر (مان و راه منی) یک روز دیگر ز صحت را گشتم نزد می

و در حدیثی که بیان کرده اند که هر که بر او دروغی قرارند تا آنکه در آن توبه کرد
 و اگر او را از آن که شکر نیز بود هم آورده است ۲۰ از نزل سوره آسم بر من بعد با خبر
 شد که سوره انبیا است ۱۳ سب به نزل رسیده بودند و بعد از آن سب از یک دستری
 نما ظهیرانه و سلم رستم. علت اصلی اینست که منی نبودن دیدن سب بطلین در
 مورد نداشتن نزل بود و در آن زمان زیاد در وقت بر صفت آن را در آن
 تحرک و حرکتی از برادران بود.

- ادای سوره یوسف بود با اطلاق از تلاش زمان دیدن شای سواک و دستگیرهای
 پی در پی رخا نازل می را تکرار کردیم نزل خداوندی می ایستاد که در وقت عاری
 بود اقیق این نزل را می از وقتای ما که دستگیر شده بود بدانست وی از
 قرآن چنین بر می آید که لونداده است قرار بود من در وقت دیگر از رخا که بارین
 دستگیر شده نامهای سفاکه شده ای از نظر پایش را استخ در نزل نکرده جمع شده
 و قرار حایان را علم و نامها را هر دو تر و عیب شده تر کیم من بادو چرخ
 بعد از نیت تصفیه و اطمینان از عیب و عصب دارد نزل شد که سب و عیب
 از من کیم از آن در وقت که سفاک از محل کار من به آن نزل آمده بود وارد
 خانه شد از وقت دیگر خبری نند (به خاطر آنکه سب بطن او را از دست اند
 ساعت ۱۱۵ بعد از آنکه در که خبر است خدا حافظی کیم نگوان ما درین سواک
 بی صبر و صرا دارد نزل شدند (در نزل باز بود) اینده آمد کردیم که ممکن

است از احترام رشتن صاحب خانه با ششم و کسین بهر از وارد شدن به آن خانه خوانی
 رشتن ز بر سر رشتن و زاری مادر و فداگران رشتن بر این برای آن رشتن
 گردید من و رشتن دیگر که در حاجت که متوجه امان خواندن و آرد است بر دم شروع
 به شکر کردم و بالا فرمودیم بر آن شد که شکرمان را پر کرده و پای برهنه بر آن
 کفش از پنجه به بیرون پریده و فرار کنیم. ایستاد را با سرست و کوی سرد صبرا
 انجام داریم زار کردن تمام با اضطراب ما برای افزایش در سیر زار ما بودند
 لقب آور بود بهر هبت در اولین فرصت ما از همه جدا شدیم و حرکت کردیم برای
 اداره داریم (قرار فیما بین بنده است بودیم من وارد مغازه ای شده و با عمل
 آنچه کنیم را در مسجد دزدیده اند طلب کس کس نه ای کردیم صاحب مغازه بیرون رفت
 من جدا بستی داد کس مغازه ای من سال داد که کس ای راحت بفرست
 می کس را بستی ۵۰ ریال فریده و بنوار فرد اداره دادم فردم را در
 اولین فرصت در داخل صحبت کردم کردم کس رشتن دیگر را ندیدم کوی
 خان بپ عرض کردم که او را اثر شده اند.
 - یک کوی نامه بود که بارفتا تا ششم بر ترانه بود و برای ده هفته بعد از آن ششم -
 در خانه بماند ده هفته من بیاد کس از رفتن دوری افتادم که تا صد روزی با هم
 همسر بودیم و هر کس کسین دانستم که سرادم بجای بیدار است (خیاط اعمال و

در مقام شکوفایی (که در سراسر این میوه و میوه بسیار برای دیدار او صفت شده بود)
 پس از چند بار نفس زد که ششش بود و وضع شکوفایی وجود دارد بر اسم مقم
 که او را گرفتارند و از رفتن بزک او منفرد شده بود که هیچ صفتی از او
 نماند که نگذشت سراج من هم بیاید روی در ورودی قدم بعد از آن که بیاید
 این سینه برسم چون اولاً در چگونگی رابطه ای مخصوص این او افر (یک ل آخر)
 با او را است و ما ضا نفس زد که برای او ششش نبود بنا بر این احتمال خطای
 از جانب او نمی رفت مخصوص آنکه با نزدیکی که با او چند بار کرده بودم او
 را از دست بردارد (یک ل پس از آن) رابطه دیگری را هم و با این و هر دو خطای
 ای دیگر روی رویم رفت بر آن دست بردم که رفتی راه رفتی و بر سینه و هر دو
 را به او باز کردی اصلاً هر دو که میزدند تا راه رفتی زیاد شد و رفتی
 علت لغت رسم صفتی که با ی روشی که در نزد بر جای دیگری است
 و صفت های لازم را در جاب زه و در هم یک روزی از ترار بار من چون
 در برای امسک خطا کردم فردا را آماده کرد در نظرم بود اگر رساله ای اتفاق
 بیفتد فرار کنم از با بر سر اینم بول در آن که است و در باها را از من
 بردم . هر دو حثت رسم ب بود و ببار در زدند فدا را که رفت که در
 را باز کند حر را که باز کرد هدای هدای بگوش رسیده که سراج مرا بر سر
 (البته با اسمی که من در مقام راجع بود) و چون همی من از پرسش داخل را در

شده بودند (فاصله سه تری با اطاعت که ما بودیم) توجه نصیب شد بلا فاصله بدیده
 شد ما با در آلتیم زدیم و حاکم (من از اینها جدا می شد) و بگو که ساعت
 است عیان فردا نیز بلا فاصله به میا ط وارد شد در صورت بی طرف صدق خانه
 انبوی میا ط رفت در وقت غریب نزل انباری بود که می بایست بودی انباری و کار
 از آنجا نزل می شد و پس وارد خانه شد و می دانم هر چه دارد انباری شد
 و از آنجا سرکار ایرود آورد که در منزل دیدن آن شد در همین ضمن ما در
 رسید و آنجا است ساعت است عیان ۵ نیز بودند و دفتر با انبوی
 نیز بازی و دستنویس وقت آن دفتر صحبت کردند. آنرا پس از چند روز
 در دست آوردیم و در وقت بیرون خانم. و خطاب به آن حضرت گفته شد برو داخل
 امان دست و پد را ببرد و تو هم داخل امان دست راست و دست چپ را
 که نزل پس شد و در دست بود است تو هم برو میا ط را ببرد و او را به داد داخل
 انباری را بگو! می بلا فاصله است در وقت انباری که چپ و راست
 آنجا بود که بشد در تبانیه باز شد و در ضمن چراغ هم در آن
 ادب انباری که من است در بردا که با کله زد به در در حکم به در
 می فرد و پس برگشت او در فاصله یک تری از در اینده بر دو حرات

در این وقت که از آن است و سرش را با لایق و چوب در است و هر دو تا یکله انباری
 بیاید و سه از دور نه کینه به کوبد و نه اعدا لایق است از است اینده
 در دو باره گلهی به در زد و دو باره کلمه بن فرود بر رفت و او سالت سالت
 در بدون آنکه نزدیک بود این کار را بکار دیر ترا کرد و پس بر رفت
 در این وقت بخود نفس میداد که چرا دست راستی فرود را بر اینده و
 اینجا ایستاد از دیرار بالا فرود و به نزل های (همان طریقه تقسیم کرده است)
 در این بلا ما همه به در از رفتن او بنفندم و در این سرتین زهر است
 از انباری بدون آنکه و با سر حبت به است با رفتن (تا به دروغ عوی اینه)
 زده با بود و در هر صورت قدرت بجایی یافته بودم) پس فرزند با
 را صحت کرده بدافق با طریقی هر یک اول آن فرزند زنده زد و وی نوری
 را سافند از آن کس ترست و سرعت بیرون رفتن فرود اینده از
 تا طایفه های دور رسانند احکام در زبانی در پانجم کسیرم (چون عدد کسیر از
 دیوار پر کرده بودم) چون در وضع آن گفتند بود پس از آن برای دلبری
 رفته تا خانزاده مان را فرزند نامرئیه بیرون نمودند آنرا از ترک
 کوزک و سب را در حیت و پر زنی در میانها و کوه ها و همایک بصیغ رسانند

مهندخته : ① این برادر به بود مرضی که افسس غوا کرد و شرف رسیده پس از
دوستان قدیمی را گرفته اند برای عیند روزی نزل را ترک نکرد و هم بارش
مدرت نکرد و هم آنچه از سرانش بیامند بعد از شرف رسیده .

② پس از هزار نباشی به نزل غایب برضت

③ با این حال پیشی های دیگر از این نظر در آنس و حرکت شان در آن
برای هزار غرض بوده است .



این نوزاد با توجه به برداری بیجهت های غلا کینه برای رسیدن از کار رسید و کس
و بزرگی غیر محسوس بسیار به جانب است :

- پس از ضرب رسید کار را برای دفعه دیگر در این صورت فکری در آن به هم نبرد که در
اول تا آمد و دومین به کار برستم .

روزی در احوال اداره بودا بعضی سورا وارد احوال نه روی مهندخته شد
پس با همگی خردش را معرفی کرد ... بی ... با او یکبار ...

X (نام کار) اینها هم بار این احوال عرض کردند کینه نفسانی فرود

همه چیز برای روی نه نور چشم آمد مانند بیزم . در حالیکه فروری

فرود آمد کرده بودم فرود این صورت شان داده قبول است با این بار

در وی که جای دیگر بود چه باید کرد ؟ در همین حال ما در سواد ای بر کرده

تیم می باید بیایم او باندا می گشت همین الان نوری باید عیادت !

نور در آن یاد و تزیین است که فردین را می خواهد (و با صفا و طهارت

رئیس اداره نبود من می آورم بود تا او را بخواند) می در یک از جانبند

سود برد بانه گشت بی رفیق شریف را که باید خود استقامت او را پس

سایه در آن دور عیادت گارت سانس پرستند آمدند و در ته دل برگردن

ادبیات از در بجان میرون آیم در وقت در نریند ما در سواد

بلند است اینده بودند از کنه آری ای آلا که میرون ساعت بود

نزدیک خود را از منقه دور کردیم علت در وقت قطع بر فردین

لحم نری صمیمی دگر می ما در آن جمله آلا بود

در این سنت بود و نمون بر فرد و با اعمال شکرت در عملهای خوبی آورده شد

در آستانه ۵۲ داخل نبرهای راه روی صندلی طرف فیضان در دین داشته

شش بودم اسلحه بگریه و پراختی روی شلوار پی سیده بودم فیضان را تمام

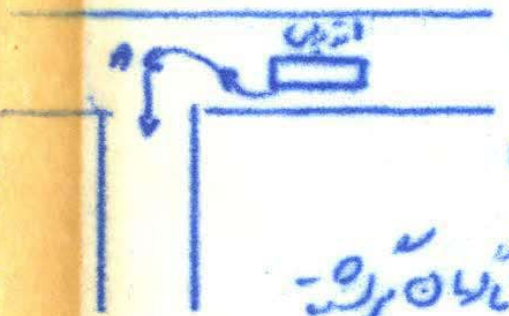
میگرم آن بودی در ایستادن نرس کرد زدی که در آن گریه یک گاشین من

گریه من داشت در فیضان لطف آن بودی سید در توجیه را به لب کرد

همینطور که با طرف داخل مابین نگاه میکردم طرف راستی که بالای سرم ایستاده و دستها را
خوبی می کشید (دست نگاه برام روشن است) و از پشت پرده برآمده بود
... من نگاهم را بردانده فزود را به نفس زده گفتم نشستی در دم را از پشت
زردی نصیبم کردم در یک استیاء پیاده کردم و دست فزود را به نفس زده گفتم

شکر دراننده نام استیاء را گفت میگویند نفسی بگفتی و دستم من از پشت
کامل که به نفس برداشتم آنرا نگاه دار . اندر پس به دست فزود که در
کنار من نشسته بود راه باز کرد و فزود نظر از زردی حاله دست طبعی در دست راست
برد دست چپ را (راه) کند و دست چپ را برداشتم از چندی خارج

شکر پای طرف را نگاه کردم و فزود فزودم پیاده کردم و دست فزود
که در استیاء برداشتم شکل برای اعتماد این حرکت بخاطر این بود که دست
فزود را یک گفتم چنانکه به نفس زده گفتم



و به پشت نگاه کردم دیدم طرف نیز پیاده شد
من داخل میوه در دستم ده قدم که به دستم نگاه برداشتم

بطرف سخن نمیکردم و دستم طرف زردی فزود را بافت بر فزود از گفتم در دستم
به پشت نگاه کردم طرف با چشم به راه فزود را دیدم در این وقت و
جودت بود بردم که بگفتم یا نه دی بخاطر رویه عیال کاری که هرگز نمی

- ۱- این عمل او را یک دلیل دیگر بر سر او می بردم او از دستم زهرایست دست راست را از دستم
- ۲- ترجمه کرد که اگر نباید او پیاده شود با این زودتر از این پیاده شد چون ایستاده بود

درد استناد ببلای (سلاح دست ساز بود) در ضمن ترس از این بطنه بطنه
 باره نتوانست برود که اگر اندامی خدایت بطنه زناج کنم. در این
 اصلی شد است در حقیقت خرد کرد که در در استمال پرک خرد بطنه
 (تاز. سوار را بر این روزه و فرار من کرده بود که پرک را در حقیقت
 تازی رده و با اندازه یک تن از عمل در رده پیاده شد آن چه بعد

تکرار شد :

① آینه بی پاره بی پای اوله است اما و برای این بود که بغیر است بی پای
 بن بزند و مرا غافلگیر سازد.

② نظر آرسه که فرب بود وارد که چای سبدم و در آن در خانه ای برای زنگ
 میاستادم او که از کنه بن روسته از بیست سر او را در آن راه میاد
 بطنه در این بود بر فدرها ای سوال طرح است که چه میگوید؟
 (زنتا نگر کنند) عوامی که در این شکل جریان است تا بیاید دارد.

- ۱ - آشنای خرد به محیط و عمل های زار
- ۲ - نزدیکان یا دوری به وسیله نظیر
- ۳ - شکل کل از نظر بیرون و درونی به بیرون
- ۴ - گزینش به جمعیت
- ۵ - روحی تعجب کننده و مومع او

از طرف ۲ صفحه اول = تا اینجا هر دو تا اینجا عبارت از پیاده شد این است خرد
 درسی و ترس او نیز هست.

کلا آنچه بنظر می رسد است که در این فریفت اصل نام از عمیق خارج شد است
 در حالتی در وضع یا تاجی است یعنی قرار با وضع تا جیم کشن پلین و
 گرتن اسلر در مرحله دو آزار میگردد. ماهی نام در وقت از خود تفرق
 در پیری و گشتن و افتد ساج است

توضیح = بر است در این چهار ربع بیداریم در اولین فرصت از نطفه
 دوریم (باید وسایل نظایه مثل تکی و ...)

اگر او وضع ساج باره یعنی نطفه آسانی داشته باشیم و یادگیری که
 داریم بر ساج روشن گردد که طرف ساجی است سیران دهان

کرمها چهار رفت (طرف آرسا دانی باره در کرمها بنیال با خود آید
 و اگر بنیال سیران تر سب او را به هم.

۲ - حدود ساعت ۸ شب عاقد با شاق ۲۰ از برادران نماز آید از سیران
 در نزه سیران چادر پایش ترجه با راهیب کرد که در گذران آریانی خودی رفت که
 ۲-۳ نفر داخل آن بودند. تصمیم زمین از همین دهانه نزه سیران وارد
 شدیم از پیری چادر و اتزین رود شده ظاهر بدخل اینده اصبح یک نفر سیران
 دیک آرد سیران پوس را دریم تر ضیف اشخ در حالتی هر یک نان ماستی در دست
 داشتند و کدک در راه رفتند و البته ساعت سیرانیم از چیری عدال بر کرد (سیران)

در زمین هر دو صد قدمی که داخل بازار شدیم صدای اندکی را شنیدیم که از آنجا می آمد
و بعد از آنکه از قدرش در هیچ شکل عادی در حالیه نسبت به هر دو
دست گمان پیدا کردیم که در زمین نا اندکی از آنجا می آمدند غره آن

۷۶۴۸۹ آری با نزدیکی رفت بدو که بارها در محل های مشخص آن را دیده بودیم
از آنجا پس از آنکه راه بر روی زمین رفت و ما هم از بازار گذریم و ما نسبت
راه امتدادیم از چواری که هر دو دیده بودیم. بطرف چواری نزدیک راه افتاده
نزدیک مسجد سید غریزه که رسیدیم آنجا می بینیم که در آنجا در فاصله

هر دو صد قدمی خود زودکی ۴۰ م را دیدیم که سبزه از مسجد عبور کردیم و از چواری
بزرگ نسبت شمال راه امتدادیم یکباره در نگاه کردیم (الله تعالی صلی علی نبی
و آله و سلم) زد را دیدیم پس به برادران گفتیم بدو که نسبت به خودتان را نگاه
کنند متوجه ما رسید که یکبار در بازار نصب شده و حرکت می کردیم خود را دیدیم
تا نزدیک مسجد جامع که سبزه رو می کردند یکبار از برادران سبزه را که در راه
بسیار کرده بود آنجا رو می کرد و ما هم با او می آمدیم تا طرف از ما
بجای بیفتد خود زودکی پس از آنکه به ما رسید با تانسی و مردمی با حشمت
وارد مسجد جامع شد ما هم که کنار سبزه رو می ایستادیم و با او می آمدیم
کردیم و سبزه که بخوابیم برای بیفتیم دیدیم که طرف از مسجد بیرون آمد

و بنابر ما راه افتاد. سبب نبودن حرکت کرده و در ایامی بازار سیر از بیجا وارد
گروه زده شروع به درین کردیم و از منفذ در رفتیم.

سأله بود؟ ایام ما در آن وقت ما سرداران رژیم هر دو را در برای سیر
روز در میان نزهتی در سبب بازار شرکت میکنیم این سبب تا مجال بود.

ترک سبب بازارها سبب سیر خزانه بوده برای سیر ایام اسلامی پلیس
برای همکاری از هر سبب آمدی عناصر خود را در این واقع در بازار چه البته بسیار
در باره طاق حرکت خود را در سبب حرکت زیادی در بازار در رفتیم) حتماً سبب

برای ما عمل زده با حدیث صحبت میکردیم که چه کنیم بر اساس آنچه تحویل آورده
به پلیس بودیم رژیم سبب سیلاب خود چهار منطقه بلد داریم همین خاطر خود خود

طرح اینکه طرف را به کوه چوهای بازار یک سیم زدند و سینه سینه با
کتابک طرف به کوه چوها و را بازار سی کرده و خلاصی کنیم.

سأله دیگری که باعث زده ما هستیم به خروج از منطقه تقریباً آگاهی ما بر این سبب
بود که ما در آن سبب را که در کسبه خرمز سببها وارد عمل زده و طرف اثر نماند

در مورد ما البته ای کلید با گرفتند از پلیس همراه بوده و طنز و سبب
در عمل جز اینکه طرف با بیانهای ما سبب آینه زد و اعیان ما را

پس آینه نخراند بود در این جریان کلینز از ما بصلاح رژیم و دو نفر دیگر
بصلاح سردار سلج بود.

تذکره ① - وقتاً سبب سلج سینه خد سبب سبب سبب با قدر زنده

و کار در حالت بانه چه بنویسد در بعضی شرایط بسیار نفعی است
 اگر محیط آلوده نبود و اعیان اطراف نامشابه رفتار کرده و در بنال مایه نزدی
 که به معنی بیرون آوردن او را هم نموده و دیگری با در دست راست او را
 نقیصه نموده و در صورت آنکه درسی دال بر آنکه طرف حق است پیدا
 میکردیم بنزد آنست بدون سردمدار او را بارش از پا در آوریم و بدون آنکه طلب ترصه
 کنیم از نفعه خارج کردیم.

⑤ در صورتی که نقیصه پس آید برادر نقیصه کننده باید کاری رفتار کند
 که نقیصه کننده نداند او را حفظاً فرد قرار داده و برادر را در ترک خود قرار

دهد

بعد از آنکه در ساعت در فیه بن سیروس که آنرا هم میمانی سرمدای با سوز سر لیس در
 صفت تفاوت با حرکت میکرد از ما که در دست بودیم در صفت دور زد و با حسی
 در صفت حرکت ما شروع حرکت نمود و در طرف دیگر صفت بان ترقف شد
 ما تر بدون آنکه در پیام چه کنیم با حرکات مادی نزدیک کردیم های سر پرک رسیده
 و بعد خارج کردن از دست بیکان شروع بردیم کردیم و از نفعه (در دست)
 آستین بگویم ها و فیه بانها یکی از عوامل مادی بود که ما بر آوریم بدون دستهای
 بعضی صمیمیت کردیم.

استادی که بر ما وارد برداشتی ماهیت آماده نمودند پس ما این صفت که فرض خود را
 آماده کردیم و از نظر ذهنی خود را آماده کشیدن صلاح نموده بودیم.

"پروزی با ما است"

